

جاذبه و دافعه روستایی و تأثیر آن بر ماندگاری یا تمایل به مهاجرت در میان جوانان روستایی شهرستان‌های هشترود و اسکو

ولی‌اله رستمعلی زاده^{*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۱

چکیده:

مسئله اصلی این تحقیق، شناسایی دلایل و عوامل مهاجرت‌های روستا-شهری در میان جوانان و نقش جاذبه‌ها و دافعه‌های روستاییست. در این تحقیق با استفاده از روش پیمایش و نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، جوانان ۳۰-۱۵ ساله ساکن در روستاهای شهرستان‌های هشترود و اسکو مورد مطالعه و ۷۶۹ پرسشنامه در این دو شهرستان تکمیل شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد جوانان روستاهای مورد مطالعه، دلایل مختلفی برای تمایل به ترک روستاهای خود و مهاجرت به شهرها داشتند. جستجوی شغل مناسب، کمبود امکانات زیربنایی، رفاهی و بهداشتی و نداشتن درآمد کافی در روستا از مهمترین دلایل تمایل به ترک جوانان روستاهای مورد مطالعه بوده است. مهمترین جاذبه‌های زندگی شهری نیز دسترسی به امکانات زندگی و رفاهی بیشتر، دسترسی آسان به فرصت‌های اشتغال و رسیدن به آرزوها و دسترسی به امکانات آموزشی بوده است. در بررسی دافعه‌های روستایی نیز مشخص شد کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی، بیکاری و نبود شغل مناسب و نداشتن امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی به همراه نبود درآمد کافی و شرایط نامناسب اقتصادی از مهمترین دافعه‌های روستایی به حساب می‌آیند. تحلیل‌های رگرسیون چندمتغیری نشان دادند بیکاری (دافعه روستایی)، نبود درآمد (دافعه روستایی)، نبود امکانات آموزشی (دافعه روستایی)، کمبود امکانات رفاهی (دافعه روستایی)، آرامش و آسایش زندگی (جاذبه شهر)، وضعیت اشتغال (شاغل نبودن) و تحصیلات دانشگاهی تمایل به مهاجرت را افزایش و متغیرهای پاسخگویی به نیازها و رضایت از امکانات و تسهیلات روستا، تمایل به مهاجرت را کاهش می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: جوانان روستایی، جاذبه شهر، دافعه روستا، مهاجرت، ماندگاری.

۱. استادیار جامعه‌شناسی توسعه مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور (نویسنده مسئول).

v.rostamalizadeh@gmail.com و vali.rostamalizadeh@psri.ac.ir

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "جاذبه و دافعه روستایی و تأثیر آن بر ماندگاری یا تمایل به مهاجرت جوانان روستایی" است که در سال ۱۳۹۵ در مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

همواره یکی از مباحث اساسی مناطق روستایی، چه در جهان و چه در ایران، مهاجرت جوانان بخصوص جوانان در سن کار از این مناطق به سمت "چراغ‌های روشن شهر" (کالكسار و کورتیس، ۲۰۱۰: ۱) است. این فرایند از دوره صنعتی شدن شروع شده و بعد از نیمه دوم قرن بیستم شتاب بیشتری گرفته و در دهه‌های اخیر به اکثر مناطق جهان تسری یافته است. به طوری که "در ۵۰ یا ۶۰ سال گذشته، جامعه ایرانی نیز یک روند کلی و پایدار مهاجرتی از روستا و مناطق کوچکتر و کمتر توسعه‌یافته به شهرهای بزرگ‌تر و مناطق توسعه‌یافته‌تر را تجربه کرده است و احتمالاً این روند می‌تواند تا چند سال دیگر همچنان ادامه داشته باشد" (ارشاد، ۱۳۹۱: ۳).

تداوم مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان کشور را می‌توان شاخصی از فقدان نگرش ناحیه‌ای در فضایی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی توسعه کشور قلمداد کرد. اعمال سیاست‌های تمرکزگرایانه در مکان‌گزینی این فعالیت‌ها، از یک‌سو عامل تمرکز خدمات و تسهیلات رفاهی- معیشتی مختلف در شهرها شده و از سوی دیگر، محرومیت و فقر مناطق روستایی را به دنبال داشته است. تداوم این روند نابرابر سبب شکاف و دوگانگی چشمگیر بین شهر و روستا شده و آنها را به قطب‌های جاذب و دافع جمعیتی تبدیل کرده است (سجادی و حامدی، ۱۳۸۱: ۱۳۴)؛ به‌گونه‌ای که تلقی روستاها به عنوان کانون‌های ناامن و محروم از نظر اقتصادی و اجتماعی، به تشدید انگیزه‌های مهاجرتی روستاییان، به امید برخورداری از حداقل امکانات در شهرها و حتی در شهرهای کوچک و روستا-شهرهایی منجر شده است که از زمان کسب هویت شهری شدن آنها چندی نمی‌گذرد؛ بنابراین، مهاجرت که عنوان «فرایند» می‌توان بر آن اطلاق کرد، می‌تواند ناشی از تنگنانهایی باشد که قسمتی از آن به ویژگی‌های وضعیت محلی و قسمتی دیگر به فرصت‌های شغلی و تسهیلات آموزشی- بهداشتی که مراکز شهری عرضه می‌دارند، بستگی دارد (شایان و کهنه‌پوشی، ۱۳۹۲: ۱۱۸). آن چنان که بر اساس نظریه «لی» زمانی فرد تصمیم به مهاجرت خواهد گرفت که عوامل دافعه در یک مکان بیشتر از عوامل جاذبه بوده و در حقیقت دافعه مکان اول آنقدر زیاد باشد که فرد تصمیم به مهاجرت

بگیرد. مهاجر با مقایسه عوامل جاذبه و دافعه در مقصد تصمیم به مهاجرت می‌گیرد (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۲۹).

اندرسون (۲۰۰۲) فقر روستاییان را عامل اصلی مهاجرت به شهرها می‌داند و معتقد است روستاییان برای فرار از آسیب‌های ناشی از فقر روانه شهرها می‌شوند. بوگ (۱۹۹۷) نیز معتقد است عوامل کشش یا جاذبه‌ها عمدتاً فرصت‌های شغلی بهتر، فرصت‌های مناسب جهت کسب درآمد بیشتر، وجود مراکز تفریحی و جذاب فعالیت‌های فرهنگی، شرایط خوب و قابل قبول محیط کار و زندگی چون مسکن، خدمات آموزشی و بالأخره فرصت‌های مطلوب جهت دستیابی به آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای چون تحصیل در مراکز آموزشی را شامل می‌شود. وی همچنین وجود بیکاری پنهان، نظام بزرگ مالکی در روستاها، عقب‌ماندگی سیستم بهره‌برداری، روابط مالک و زارع، کمبود امکانات زندگی و خصوصاً کمی درآمد روستاییان را در رده عوامل دافعه روستایی می‌شمارد (بنی‌اسدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۵-۱۸۴).

بنابراین مهاجرت‌های روستایی عمدتاً از عدم زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات زیربنایی مناسب در روستاها از یک سو و انتظار درآمد و اشتغال بهتر به همراه وجود خدمات و تسهیلات رفاهی، آموزشی و بهداشتی برتر در شهرها از سوی دیگر، متأثر می‌شود (زنجان، ۱۳۸۰: ۲۲۹). از طرفی نیز تسلط یک‌سویه شهر بر روستا در طی دهه‌های اخیر به خصوص در ایران بعد از اصلاحات ارضی موجب بهم خوردن روابط متقابل شهر و روستا شده است؛ وابستگی متقابلی که روستاییان در کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشتند از بین رفته و به تضعیف هر چه بیشتر روستا از نظر بنیه اقتصادی و توسعه برتر شهری انجامیده است؛ این امر نه تنها زمینه مهاجرت‌های روستایی- شهری را فراهم کرده بلکه آن را تشدید ساخته است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۵). بنابراین مهاجرت بی‌رویه یک بیماری اجتماعی و عامل بسیاری از نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. با این تفاسیر ما امروزه با مسئله‌ای به نام «مهاجرت‌های روستا- شهری» مواجه‌ایم و مسئله اصلی این تحقیق آن است که دلایل و عوامل این مهاجرت‌های روستا- شهری در میان جوانان و نیز نقش جاذبه‌ها و دافعه‌های روستایی چیست.

باید اشاره کرد این تحقیق در استان آذربایجان شرقی صورت گرفته چرا که مطالعه روند مهاجرت بین استانی در سه دهه اخیر نشان می‌دهد استان آذربایجان شرقی همواره جزو سه استان اول بوده که بیشترین درصد مهاجران خارج شده را داشته است. در هر سه دوره ده‌ساله

(۸۵-۵۵)، استان تهران بیشترین خالص مهاجرت و استان آذربایجان شرقی کمترین خالص مهاجرت را داشته است (قاسمی اردهائی، ۱۳۹۲: ۱۱)؛ بنابراین نمود مهاجرت‌های روستا-شهری در این استان وضوح بیشتری دارد و مسئله دیگر برآمده از این جریان می‌تواند این باشد که دلایل و انگیزه‌های این مهاجرت مداوم چیست و نقش جاذبه‌ها و دافعه‌های روستایی در این میان چه می‌تواند باشد.

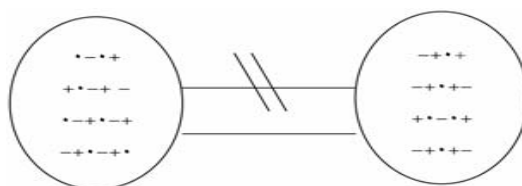
مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های مختلف و متعددی پیرامون مهاجرت وجود دارد و هر کدام از چشم‌انداز نظری خود مهاجرت را بررسی و نقد کرده‌اند. این نظریات از تحلیل عوامل سطح کلان گرفته تا سطح خرد و از ساختارها گرفته تا افراد و همچنین توجه ویژه به سطوح میانی در سال‌های اخیر چون شبکه‌ها، خانواده‌ها و غیره را شامل می‌شوند. "آنچه مشخص است، نظریه‌های مرتبط با جایابی مکانی جمعیت‌های انسانی از لحاظ تبیین‌های علی مهاجرت، از علل صرفاً اقتصادی، روانشناختی و جغرافیایی فاصله گرفته و به ترکیبی از علل اقتصادی - روانشناختی - اجتماعی تأکید دارند" (قاسمی اردهائی، ۱۳۹۲: ۶۲). در این تحقیق، بدون نقد و نظر رویکردهای نظری مختلف، بر نقش عوامل جاذبه و دافعه در ماندگاری یا مهاجرت جوانان روستایی تأکید و تمرکز شده است. این تمرکز می‌تواند به دلیل قابلیت تلفیق نظریه‌های مختلف اجتماعی در رویکرد جاذبه و دافعه باشد؛ یعنی رویکرد جاذبه و دافعه این قابلیت را دارد که مفاهیم برگرفته از نظریه‌های را در قالب جاذبه یا دافعه وارد کند. برای مثال وارد کردن پیوندهای اجتماعی افراد یا تعلق‌شان به محل زندگی به عنوان جاذبه، در قالب نظریه جاذبه و دافعه مقدور است.

اورت اس. لی (۱۹۶۶) قوانینی که راونشتاین در قرن نوزدهم در مورد مهاجرت مطرح کرده بود را بازننگری و چارچوب نظری جدیدی برای مهاجرت مطرح کرد (دهاس، ۲۰۰۶). لی بر نظریه جذب و دفع تأکید کرد و آن را منشأ بروز مهاجرت دانست. او به مزایا و مضرات مکان مبدأ همانند پتانسیل‌های مکان مقصد و همچنین موانع مداخله‌گر بین دو مکان توجه دارد. در این دیدگاه، تصمیم به مهاجرت با عواملی تعیین می‌شوند که عبارتند از: ۱. عوامل مرتبط با نواحی مبدأ؛ ۲. عوامل مرتبط با نواحی مقصد؛ ۳. موانع مداخله‌گر (مانند فاصله، موانع فیزیکی، قوانین مهاجرتی و غیره) و ۴. عوامل شخصی. لی (۱۹۶۶: ۵۴-۵۵) این گونه استدلال کرد که مهاجرت در روندی مناسب شکل می‌گیرد که از مکانی خاص در مبدأ به

مکانی خاص در مقصد می‌انجامد و این نه تنها به دلیل تمایل به فرصت‌های عالی بلکه به دلیل روند بازگشت اطلاعاتی از مقصد است که عبور مهاجران بعدی را آسان می‌کند. نمودار ۱ تأثیر سه عامل اول را در فرایند مهاجرت نشان می‌دهد:

شکل ۱: برخی از عوامل مؤثر بر مهاجرت در نظریه لی



موانع مداخله‌گر

همان‌گونه که در شکل ۱ نشان داده شده در هر حوزه عوامل متعددی در جذب افراد به آن حوزه مؤثرند (علائم مثبت) و عوامل دیگری که به موجب دفع افراد از آن حوزه می‌شود (علائم منفی) نیز وجود دارد؛ عوامل دیگری هم به صورت خنثی وجود دارند که با صفر نشان داده شده‌اند (حاج‌حسینی، ۱۳۸۵).

اثر هر یک از عوامل بنا به شخصیت و ویژگی‌های فردی، مثلاً سن، جنس، میزان تحصیلات، سطح مهارت، نژاد گروه‌های قومی و غیره متفاوت خواهند بود. این عوامل (مثبت، منفی، خنثی) برای اشخاص مختلف هم در مبدأ و هم در مقصد متفاوت خواهد بود. مثلاً آب و هوای خوب، عامل جاذب و آب و هوای نامناسب، عامل دافع برای افراد است، یا اینکه یک نظام آموزشی خوب ممکن است برای کودکان و نوجوانان جزو عوامل مثبت و برای شهروندان که بچه ندارند، عامل منفی باشد، زیرا مالیات زیادتری برای تأمین بودجه آموزش و پرورش آن منطقه باید پردازند، در صورتی که برای مرد مجرد فاقد دارایی مشمول مالیات در این حالت، نظام آموزشی از عوامل خنثی به شمار می‌آید (همان). در هر حوزه عوامل متعددی در جذب و دفع افراد آن حوزه مؤثرند (لهسانی‌زاده، ۱۳۶۸: ۶۱). نقطه قوت نظریه لی، تأکید درست و به جای او بر عوامل شخصی است. تحت تأثیر این عوامل است که برخی مهاجرت می‌کنند و برخی در محل سکونت خود باقی می‌مانند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳). پس ویژگی‌های شخصی مهاجران از جمله سن، جنس، سطح سواد، حدود خوداتکایی، همبستگی‌های قومی و نژادی را نیز باید از موارد مؤثر بر مهاجرت به شمار آورد (قاسمی اردهائی، الف ۱۳۸۵: ۵۹-۵۸).

بر اساس این نظریه، در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر شخص نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند. وی امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه و در مقابل، هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط زیست را از عوامل دافعه محسوب می‌کند. لی اظهار می‌کند مهاجرت، با توجه به ویژگی‌های مهاجران، انتخابی است، چون مردم به سختی به عوامل موجود در مبدأ و مقصد پاسخ مثبت و یا منفی می‌دهند و توانایی‌های مختلفی در مقابله با متغیرهای مداخله‌گر دارند (رنیروز ۱۹۹۹: ۶۸۱). با این تفاسیر مدل‌های جاذبه و دافعه مهاجرت نشان می‌دهند که افراد از مناطق در حال رکود اقتصادی و شرایط نامناسب گذران زندگی و معیشت دفع شده و جذب مناطق مرفه می‌شوند. یا به تعبیر دیگری دافعه‌های روستایی به همراه جاذبه‌های شهری نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی جوانان روستایی بازی می‌کنند.

آنچه واضح است، محققان به منظور درک برون کوچی^۱ جوانان روستایی، عمدتاً عوامل دافعه [مبدأ] را شناسایی کرده‌اند، حتی اگرچه لزوماً مدل جاذبه-دافعه در این موارد استفاده نشده باشد. بررسی تحقیقات مهاجرت بزرگسالان نشان می‌دهد این عوامل دافعه عمدتاً شامل عوامل ساختاری/ کارکردی از قبیل فقدان آموزش، اشتغال و فرصت‌های کسب و کاراند (اورسوله^۲، ۲۰۰۲؛ کادوالدر^۳، ۱۹۹۲). عوامل تفاوت‌های فردی نیز شامل فرایندهای تکاملی از ترک خانه تا استقلال‌یابی یا مستقل شدن (جونز^۴، ۱۹۹۵) و همچنین انگیزه و میل به تغییر (مک‌آندرو^۵، ۱۹۹۸) در میان جوانان بوده است (نقل از پرتی و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۲۸). پس تأکید بر دافعه‌های مبدأ بوده است در حالی که مدل جاذبه و دافعه، تنها از دافعه مبدأ صحبت نکرده است؛ مبدأ چیزهای مثبتی هم دارد که اتفاقاً می‌توانند با بالا بردن هزینه‌های مهاجرت و پایین آوردن منافع مهاجرت، فرد را برای ماندن ترغیب کنند، چرا که تصمیم‌گیری برای مهاجرت و یا ماندن بر طبق رویکردهای جاذبه و دافعه و ارزیابی هزینه-فایده، تصمیم‌گیری ارزیابانه از طرف فرد است.

1. out-migration
2. Eversole
3. Cadwallader
4. Jones
5. McAndrew

پس تا اینجا درست است که اکثر تحقیقات، مدل‌های جاذبه و دافعه و ارزیابی هزینه-فایده را بکار برده‌اند اما توجه کمتری به جاذبه‌های مبدأ داشته‌اند. به طوری که الدر و همکاران (۱۹۹۶) معتقدند، در اکثر تحقیقات کشف کمتری از آنچه که لنگینو^۱ (۱۹۹۲) و مون^۲ (۱۹۹۵) بنام «پهلوگیری‌ها»^۳ نام برده‌اند، صورت گرفته است. اینها ابعادی از روابط و ارتباطات گروهی‌اند که افراد را به تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر ارزش‌های خانوادگی، تاریخی و فرهنگی، سوق می‌دهند. برخی از این عوامل یادشده، همچون روابط با خویشاوندان، به‌طور عمده در مورد افراد جوان بررسی شده است (الدر و همکاران، ۱۹۹۶). با این حال، شناخت کمی درباره کشش/ جاذبه رابطه یک فرد جوان با اجتماع محلی زندگی‌اش، در درون زمینه اجتماعی-فضایی^۴ که عوامل مختلف فردی و ساختاری در آن قرار دارند، وجود دارد. شناخت این پهلوگیری‌ها، تجارب و برداشت‌ها از اجتماع محلی (پرتی و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۲۸)، می‌تواند چشم‌انداز دیگری را برای تحلیل ماندگاری جوانان باز کند.

تأکید بر عوامل دافعه مبدأ همانند جنبه‌های مختلف شرایط نامساعد ساختاری، بیشتر به دلیل قابلیت دید و وجود شواهد تجربی اهمیت آموزش و فرصت‌های اشتغال در تصمیم‌گیری مهاجرتی افراد جوان است که این موضوع را قابل فهم و کلاً قابل دفاع می‌کند (اورسوله، ۲۰۰۲؛ لوکی و بورک^۵، ۲۰۰۱)؛ اما با این حال، اولاً همه جوانان پاسخ یکسانی به شرایط نامساعد ساختاری نمی‌دهند. دوماً، این عوامل ساختاری، نمی‌توانند عامل‌های مرتبط با روانشناسی اجتماع محلی، یا روابط افراد جوان با اجتماع محلی مبدأشان را در برگیرند (پرتی و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۲۷).

با این تفاسیر ترک یا ماندگاری جوانان روستایی به عواملی چون جاذبه و دافعه مبدأ و مقصد و تصور از مبدأ و مقصد بستگی دارد. خود این عوامل نیز تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی اقتصادی افراد و متغیرهای سطح روستا قرار دارند.

-
1. Longino
 2. Moon
 3. moorings
 4. social-spatial context
 5. Lockie & Bourke

پیشینه تحقیق

نتایج مطالعه امینی و برومند (۱۳۹۴) با عنوان تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جمعیت‌گریزی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: پادناهی سفلی، سمیرم) نشان می‌دهد به ترتیب متغیرهای اجتماعی و اقتصادی احساس محرومیت نسبی، فقدان زیرساخت‌های اشتغال، درآمد غیر زراعی، ضعف و کمبود امکانات و تسهیلات، در تمایل و اقدام افراد به ترک روستا تأثیر معنادار مثبت و نقش برانگیزاننده داشته و متغیرهای سن و سرمایه‌های اجتماعی در روستاگریزی افراد تأثیر معنادار منفی و نقش بازدارنده داشته‌اند.

یافته‌های تحقیق رستمعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی شهرستان اهر نشان می‌دهد متغیرهای وضعیت اشتغال، تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد ماهیانه خانوار، طبقه اقتصادی خانواده از نظر خود پاسخگویان و محل اشتغال پاسخگویان بر ماندگاری جوانان در روستا نقش اساسی دارند. مهمترین عوامل دفع جوانان از جوامع روستایی و میزان گرایش به مهاجرت آنها به سوی مناطق شهری نیز به ترتیب اولویت عبارتند از: کمبود امکانات رفاهی، کمبود امکانات بهداشتی، کمبود امکانات آموزشی و فرهنگی، نبود شغل مناسب و مشکلات کاری، کمبود وسیله حمل و نقل و عدم حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی.

نتایج مطالعه اذانی و بوستانی (۱۳۹۲) با عنوان تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی شهرستان ممسنی نشان می‌دهد مهم‌ترین علت‌های مهاجرت‌های روستایی در این شهرستان کمبود درآمد و فقدان امکانات آموزشی، خدماتی و رفاهی و ... است. یافته‌های مطالعه شایان و کهنه‌پوشی (۱۳۹۲) با عنوان بررسی علل مهاجرت‌های روستا-شهری در بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان مشخص کرد که کمبود اشتغال و وجود بیکاری و پس از آن کمبود درآمد، علت اصلی مهاجرت روستاییان بخش خاو و میرآباد به شهر و تخلیه روستاهای مزبور محسوب می‌شوند.

یافته‌های تحقیق نظام‌الدین و فیروج^۱ (۲۰۱۳) با عنوان «علل و پیامدهای مهاجرت روستایی- شهری در بنگلادش: مطالعه تجربی در شهر چیتاگونگ» نشان می‌دهد فقر، جستجوی شغلی، بی‌زمینی (خوش‌نشینی)، بی‌خانمانی، فجایع و بحران‌های طبیعی متعدد از

1. Md. Nezum Uddin and Mahamuda Firoj
2. Chittagong City

عوامل دافعه اصلی مهاجرت‌های روستایی به شمار می‌روند، اگر چه دسترسی آسان به بخش‌های غیر رسمی و مناطق حاشیه‌ای، احتمال درآمد بالاتر، امکانات و تسهیلات خدماتی بهتر از عوامل اصلی جاذبه‌های مهاجرت‌اند.

ایمران^۱ و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی «تعیین‌کننده‌های اجتماعی- اقتصادی مهاجرت‌های روستایی به محیط‌های شهری: مطالعه در شهر سرگدا^۲، پاکستان» می‌پردازند. یافته‌های توصیفی این تحقیق نشان می‌دهد که شرایط ناکافی و نامناسب آموزشی، بهداشتی، امکانات تفریحی، زیرساخت‌های ضعیف و رکود اقتصادی و فرصت‌های محدود اقتصادی در مناطق روستایی عوامل اولیه و اصلی در دادن انگیزه به افراد و خانواده‌ها برای مهاجرت به مناطق شهری بودند. این تحقیق همچنین یادآوری می‌کند که با افزایش مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری، مسائل و مشکلات عدیده و چندبعدی چون سیستم‌های فاضلاب، بهداشت، آلودگی محیطی، تجمع بیش از حد مسکن^۳، ترافیک بیش از حد، جمعیت بیش از حد، تصادفات جاده‌ای و جرائم افزایش می‌یابند.

یافته‌های مطالعه جوشا رمی^۴، ابراهیم آدگوک^۵ و نوراین^۶ (۲۰۱۱) با عنوان «ارزیابی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستا- شهری در برخی از مناطق منتخب دولت محلی ایالت لاگوس نیجریه» نشان می‌دهد که بیکاری، تحصیلات، دلایل خانوادگی، ویژگی‌ها و امکانات نامناسب اجتماعی در مناطق روستایی، دوری و اجتناب از خستگی در کار کشاورزی و دلایل بهداشتی از عوامل اثرگذار عمده در مهاجرت روستا- شهری در نیجریه بودند.

تحقیق ملسه و ناچیموتو^۷ (۲۰۱۷) با عنوان «مروری بر عوامل و پیامدهای مهاجرت روستا- شهری در اتیوپی» نشان می‌دهد تخریب و تنزل محیطی، بهره‌وری پایین کشاورزی، خدمات اجتماعی ناکافی، فشار جمعیتی و کمبود زمین در مناطق روستایی به عنوان عوامل اصلی مهاجرت شناخته شده‌اند. اگرچه عوامل "دافعه" غالب‌اند، برخی عوامل مهم "جاذبه" نیز وجود دارند که مردم روستایی را به مناطق شهری جذب می‌کنند مانند آموزش، خدمات بهداشتی، امنیت، شغل بهتر، فرصت‌های پیشرفت و سایر امکانات شهری. همچنین مهمترین

1. Faisal Imran
2. Sargodha
3. overcrowded housing
4. Aworemi, Joshua Remi
5. Abdul-Azeez, Ibraheem Adegoke
6. Opoola, Nurain. A.
7. Birhanu Melesse and Kavitha Nachimuthu

پیامدهای مهاجرت به مناطق شهری، عبارتند از تراکم بیش از حد، فشار بر خدمات اجتماعی شهری، افزایش هزینه‌های غذا، بدتر شدن کیفیت آب و هوا و افزایش جرائم، خشونت، فحشا و بیماری‌ها.

کراو^۱ ۲ (۲۰۱۰) در گزارشی با عنوان «عوامل مؤثر بر تصمیمات مهاجرتی از مناطق روستایی در اسکاتلند: تجزیه و تحلیل شواهد» به بررسی عوامل "دافعه"^۲، عوامل "جاذبه"^۳ ترغیب‌کننده مردم به حرکت/نقل مکان، عوامل "ماندگاری"^۴ ترغیب‌کننده مردم به ماندن^۵ و عوامل ترغیب‌کننده "برگشت"^۶ مردم به مناطق روستایی پرداخته است. وی این عوامل را در میان افراد جوان به‌طور کلی، افرادی که از نظر اقتصادی فعال هستند، خانواده‌ها و افراد سالمند مورد مطالعه قرار داده است. در جدول پایین این عوامل در میان افراد جوان آورده شده است (ن. ک به جدول ۱).

جدول ۱. عوامل مهم تصمیمات مهاجرتی در میان افراد جوان (کراو ۲۰۱۰)

عوامل "دافعه" ^۷ ترغیب‌کننده مردم برای ترک مناطق روستایی	اشتغال، آموزش عالی، مسکن، انگیزه مستقل شدن، امکانات و تسهیلات فراغتی، خدمات و فروشگاه‌ها، حمل و نقل، فشار خانواده، ادراکات از محیط، کناره‌گیری اجتماعی، انتخاب‌های سبک زندگی.
عوامل "جاذبه" ^۸ ترغیب‌کننده مردم برای حرکت/نقل مکان به مناطق روستایی	روابط و گره‌های خانوادگی محلی و سایر روابط شخصی، فرصت‌های اشتغال بخصوص دسترسی به مشاغل با کیفیت بالا، محیط و چشم‌اندازهای محیطی، دسترسی به مسکن خوب و با هزینه کم، دستیابی به کیفیت خوبی از زندگی در مناطق روستایی، زبان و فرهنگ محلی.
عوامل "ماندگاری" ^۹ ترغیب‌کننده مردم برای ماندن ^{۱۰} در مناطق روستایی	تأمین امنیت یک کار خوب محلی (داشتن امنیت شغلی محلی)، روابط خانوادگی محلی، داشتن و برخورداری از محیط طبیعی با کیفیت بالا، درک اینکه محیط‌های روستایی یک کیفیت خوبی از زندگی را ارائه می‌کنند، احساس تعلق به مناطق روستایی، احساس همبستگی اجتماعی، انگیزه و آرزو برای شروع یک زندگی خانوادگی در محیط محلی، فرصت‌های آموزشی در دسترس محلی، احساس قوی به اجتماع محلی، احساس امنیت در محیط‌های روستایی، شبکه اجتماعی خوب یا فرصت‌هایی برای ملاقات و معاشرت با همسالان، درک اینکه افراد جوان قسمت بارز اجتماع روستایی‌اند، انتظارات و آرزوهای والدین و ...
عوامل ترغیب‌کننده "برگشت" ^{۱۱} مردم به مناطق روستایی	دسترسی به مشاغل مناسب و آموزش‌های حرفه‌ای، وابستگی به منطقه محلی، روابط خوب با مردم و سازمان‌ها در محیط‌های روستایی، روابط اجتماعی و خانواده در منطقه محلی، درک اینکه جنبه‌هایی از زندگی در منطقه در حال حاضر تغییر / بهبود یافته است، روابط خانوادگی محلی / مسئولیت‌های سرپرستی، فقدان مسکن مقرون به صرفه در محل زندگی، علاقه برای زنده نگه‌داشتن فرهنگ و زبان محلی، بهره‌مندشدن از سبک زندگی روستایی

1. Helena Crow
2. push
3. pull
4. stay
5. remain
6. return
7. push
8. pull
9. stay
10. remain
11. return

الدر و همکاران^۱ (۱۹۹۶) مهاجرت جوانان در مناطق روستایی میدوست آمریکا را مطالعه کرده‌اند. آنها به بافت پیچیده‌ای از عامل‌های فردی و ساختاری جاذبه و دافعه مربوط به تصمیم‌گیری برای مهاجرت، دست پیدا کرده‌اند. نیات افراد جوان مربوط به چشم‌اندازهای آنها از آموزش، شرایط نامساعد اقتصادی-اجتماعی، گره‌ها و وابستگی‌ها به خانواده و اجتماع مذهبی خود و سطح کلی از شادکامی از زندگی بوده است.

هنری و کلوپ^۲ (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان «ماندن یا ترک کردن؟ پرسش این است؛ دیدگاه‌های جوانان روستایی برای زندگی در اسکاندینای» کار خود را اینگونه شروع می‌کنند: "من می‌خواهم زندگی کنم و من می‌خواهم در شمال بمیرم (می‌خواهم در شمال زندگی کنم و در شمال بمیرم)". آیا این آخرین خط سرود ملی سوئدی هنوز هم برای نسل جوان ساکن در روستاهای شمال کشورهای اسکاندیناوی درست است؟

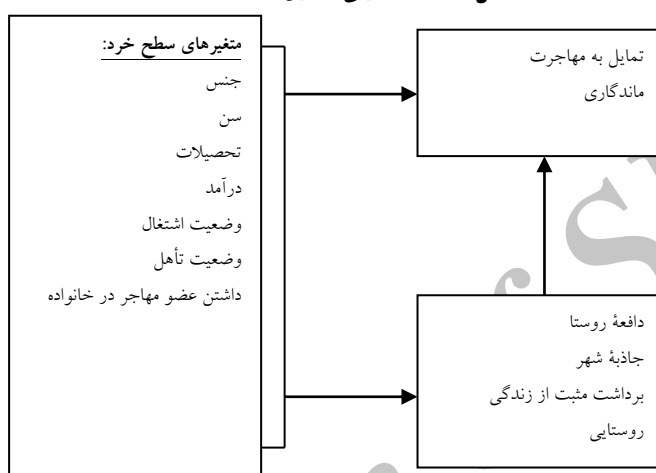
در این تحقیق آنها اشاره می‌کنند جمعیت روستایی هم در نروژ و هم در سوئد در حال کاهش است، به طوری که در ۲۰ سال گذشته تعداد مغازه‌های خواروبار و خرده‌فروشی ۲۰ درصد کاهش یافته است. بدین منظور آنها در این تحقیق، دیدگاه‌های جوانان روستایی را برای برنامه‌های مهاجرتی و چگونگی این تصمیم‌گیری بررسی کرده‌اند. این مطالعه به شیوه کمی و کیفی طراحی شده و در میان نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ ساله نروژی و سوئدی انجام گرفته است. به طور خلاصه، یافته‌ها نشان می‌دهد در ویژگی‌ها، ادراکات و انگیزه‌های سه گروه از نوجوانان - "ماندگاران"، "ترک‌کنندگان" و "بازگشتگان"^۳ - در هر دو کشور شباهت وجود دارد. گروه ماندگاران دیدگاه مثبت‌تر و گروه ترک‌کنندگان، دیدگاه منفی به تمام جنبه‌های زندگی روستایی دارند. همچنین ترک‌کنندگان نگرش منفی نسبت به مدرسه، پدر و مادر خود و دیگر بزرگسالان جامعه محلی دارند. در حالی که ماندگاران و برگشت‌کنندگان با محیط روستایی یکپارچگی اجتماعی خوبی دارند. همچنین ماندگاران کمترین افسردگی داشته و از امنیت جامعه محلی راضی و خوشحال‌اند.

مرور ادبیات و پیشینه تحقیق نشان می‌دهد تمایل به مهاجرت یا ماندگاری جوانان روستایی به عواملی چون جاذبه و دافعه مبدأ و مقصد و تصور از مبدأ و مقصد بستگی دارد.

1. Elder et al
2. Hendry and Kloep
3. stayers
4. leavers
5. returners

همچنین خود این عوامل نیز تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی اقتصادی افراد و متغیرهای سطح روستا قرار دارند؛ بنابراین می‌توان مدل تحقیق را چنین آورد (ن که به شکل ۲).

شکل ۲. مدل تحلیلی تحقیق



روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق جوانان روستایی ۳۰-۱۵ ساله شهرستان‌های اسکو و هشترود در استان آذربایجان شرقی است. دلیل انتخاب این دو شهرستان در استان آذربایجان شرقی این است که در طی دهه (۱۳۸۵-۱۳۷۵) شهرستان هشترود مهاجرفرست‌ترین شهرستان استان و شهرستان اسکو نیز کمترین میزان مهاجرفرستی داشته است. با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی علل ماندگاری جوانان روستایی بوده است، بنابراین جوانان روستایی ۳۰-۱۵ سال این دو شهرستان انتخاب شدند.

روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای است؛ میزان مهاجرفرستی و مهاجرپذیری و موقعیت جغرافیایی در تعیین شهرستان‌ها، دوری و نزدیکی به شهر، شیوه معیشت و تعداد جمعیت، از جمله ملاک‌های تعیین‌کننده انتخاب خوشه‌ها بوده است. در این تحقیق بر اساس جدول مورگان و بر حسب اینکه جوانان ۳۰-۱۵ ساله روستایی شهرستان اسکو ۱۲۸۶۳ و هشترود ۱۳۴۴۱ نفر بودند، برای هر شهرستان ۳۷۵ نفر نمونه انتخاب شد و برای تعمیم بیشتر و اعتبار پژوهش نمونه‌های هر شهرستان به ۴۰۰ نمونه ارتقا یافت؛ اما در نهایت پس از جمع‌آوری اطلاعات ۷۶۹ پرسشنامه قابلیت تحلیل یافت. شهرستان هشترود دارای دو بخش نظرکهریزی و

مرکزی و شهرستان اسکو هم دارای دو بخش مرکزی و ایلخچی است. از هر دو بخش هر شهرستان، دهستان‌ها و متعاقباً روستاها انتخاب شدند که ملاک انتخاب دهستان‌ها، جمعیت و موقعیت جغرافیایی است. در نحوه اختصاص پرسشنامه‌ها به دهستان‌ها و در داخل روستاها، ملاک جمعیتی و تخصیص، ۴۰۰ پرسشنامه لحاظ شده است. البته در کنار ملاک جمعیتی سعی شده است تا حد امکان پرسشنامه هیچ روستایی کمتر از ۱۰ عدد نباشد.

یافته‌های تحقیق

از ۷۶۹ نفر جامعه نمونه آماری، ۵۲۱ نفر (۶۷/۸ درصد) مرد و ۲۴۸ نفر (۳۲/۲ درصد) زن هستند. همچنین مطابق با جدول ۵، ۴۲/۰ درصد پاسخگویان مجرد، ۵۷/۶ درصد متأهل و ۰/۴ درصد مطلقه‌اند. نکته مهم این است که فقط ۳ نفر از پاسخگویان مطلقه بوده‌اند که نشان از پایین بودن نرخ طلاق در مناطق مورد مطالعه است.

برای درک بهتر از گستره سنی پاسخگویان، سن آنها در قالب گروه‌های سنی تنظیم شده است. مطابق با جدول، دامنه سنی پاسخگویان ۱۵ تا ۳۰ سال است. بیشترین درصد پاسخگویان مربوط به سنین ۳۰-۲۶ سال با ۳۹/۲ درصد و سپس گروه‌های سنی ۲۵-۲۰ سال با ۳۷/۵ و ۱۹-۱۵ سال با ۲۳/۳ درصد است. از بین پاسخگویان ۳۳/۴ درصد شاغل و ۶۶/۶ درصد غیر شاغل بودند. از میان شاغلان ۸۳ درصد، یعنی ۱۹۵ نفر در روستای محل زندگی خود، ۲/۶ درصد (۶ نفر) در روستای دیگر و ۱۴/۵ درصد (۳۴ نفر) در شهر شاغل بودند. از نظر نوع شغل نیز ۳۷/۶ درصد کشاورزی و دامداری، ۲۷/۱ درصد کارگری و کارکنان ساختمانی و فنی، ۲۲/۹ درصد کارکنان خدماتی و فروشندگان و ۱۲/۴ درصد نیز کارکن بخش اداری و فرهنگی بودند.

میزان تحصیلات پاسخگویان نیز به پنج طبقه بی‌سواد و ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دیپلم، کاردانی و در نهایت کارشناسی و بالاتر طبقه‌بندی شده است. توزیع درصد آنها به ترتیب عبارت از: ۲۳/۲، ۲۷/۵، ۳۲/۹، ۳/۷ و ۱۲/۸ درصد. در این میان بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر دارند. از نظر درآمد ۳۸/۷ درصد درآمد پایین، ۴۷/۳ درصد درآمد متوسط و ۱۴/۱ درصد نیز درآمد بالا داشتند. در زمینه متغیر وضعیت سکونت، ۵۱۸ نفر (۶۸/۱ درصد) همراه با پدر و مادر و ۲۴۳ نفر (۳۱/۹ درصد) به صورت مستقل

زندگی می‌کنند. علاوه بر این، ۸۷/۷ درصد پاسخگویان از لحاظ وضعیت مسکن، دارای مسکن ملکی، ۱۲/۰ درصد مسکن استیجاری و ۰/۳ درصد یعنی ۲ نفر در خانه عالم ساکن بوده‌اند. در نهایت اینکه ۵۰/۱ درصد از پاسخگویان دارای اعضای مهاجرکرده در خانواده خود بوده‌اند و ۴۹/۹ درصد نیز هیچ فرد مهاجرت‌کرده‌ای در خانواده خود نداشته‌اند.

بررسی وضعیت ماندگاری یا ترک در میان پاسخگویان

برای بررسی وضعیت ماندگاری یا ترک از متغیر تمایل به مهاجرت از روستا استفاده شده است. ۲۴/۳ درصد از پاسخگویان تمایل کمتر، ۵۷/۶ درصد تمایل متوسط و ۱۸/۱ درصد از پاسخگویان نیز تمایل زیادی برای مهاجرت از روستا دارند. مشخص است مهاجرت برای آینده تحصیلی فرزندان اهمیت وافری برای پاسخگویان دارد. نکته جالب این است که خانواده‌ها کمتر جوانان را برای مهاجرت از روستا ترغیب می‌کنند.

جدول ۲. توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب تمایل به مهاجرت از روستا

گویه‌ها میزان موافقت (%):			
مخالف	تا حدودی موافق	موافق	
۲۱/۲	۱۹/۳	۵۹/۵	برای آینده تحصیلی فرزندانم (مدرسه، کلاس زبان، کلاس کامپیوتر) ترجیح می‌دهم به مکان دیگر مهاجرت کنم
۳۷/۷	۲۵/۲	۳۷/۱	چند سالی است که سرمایه‌ام را جمع می‌کنم تا بتوانم برای خودم در شهر خانه یا شغلی دست و پا کنم.
۴۵/۸	۲۵/۶	۲۸/۶	حدود دو سال است که در حال جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شغل و مسکن در جای دیگر جهت مهاجرت از این روستا هستم
۵۴/۰	۲۳/۰	۲۳/۰	خانواده‌ام مرا برای مهاجرت از این روستا تشویق می‌کنند.
۴۰/۱	۲۹/۹	۳۰/۰	احتمال می‌دهم که در آینده در روستا ماندگار شوم.
تمایل به مهاجرت از روستا (%):			
زیاد:	متوسط:	کم:	
۱۸/۱	۵۷/۶۵	۲۴/۳	

دلایل ترک روستا از چشم‌انداز جوانان روستایی

جوانان روستاهای مورد مطالعه دلایل مختلفی برای ترک روستاهای خود و مهاجرت به شهرها داشتند، این دلایل دربرگیرنده مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی بوده است؛ بنابراین از افراد مورد بررسی خواسته شده تا به ترتیب اولویت دلایل ترک و مهاجرت از روستا را ذکر کنند. نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است. بیش از نصف پاسخگویان یعنی ۵۲/۳ درصد دلیل ترک خود را در اولویت اول نداشتن شغل مناسب عنوان کرده‌اند. بعد از این متغیر کمبود امکانات زیربنایی، رفاهی و بهداشتی با ۲۴/۸ درصد در رتبه بعدی قرار دارد. سومین متغیر مهم در این اولویت، نداشتن درآمد کافی در روستا است.

در اولویت دوم، نداشتن شغل مناسب با ۳۹/۸ درصد در رتبه اول، نداشتن درآمد کافی در روستا با ۲۱/۷ درصد در رتبه دوم و دسترسی به امکانات و رفاه زندگی شهری با ۱۳/۳ درصد در رتبه سوم قرار دارد. در اولویت سوم، پاسخگویان در خصوص دلایل ترک روستای خود، به ترتیب کمبود امکانات زیربنایی، رفاهی و بهداشتی، نداشتن شغل مناسب با ۳۳/۳ و ۱۸/۵ درصد در رتبه اول و دوم قرار دارند و سه متغیر نداشتن درآمد کافی در روستا، دسترسی به امکانات و رفاه زندگی شهری و کمبود امکانات آموزشی و فرهنگی و ادامه تحصیل در رتبه سوم قرار دارند. آنچه از این موارد می‌توان به دست آورد این است جستجوی شغل مناسب، کمبود امکانات زیربنایی، رفاهی و بهداشتی و نداشتن درآمد کافی در روستا از مهمترین دلایل ترک جوانان روستاهای مورد مطالعه است. با توجه به اینکه در این تحقیق ما با قشر جوان در ارتباطیم، پیدا کردن شغل بخصوص شغل مناسب و دلخواه از مهمترین دغدغه‌های جوانان روستایی بوده است. این جوانان در مرحله‌ای از زندگی قرار دارند که باید وارد بازار کار شوند و با توجه به شرایطی که دارند و تحصیلاتی که کسب می‌کنند، در یافتن شغل مناسب در روستاها و مناطق روستایی با مشکل مواجه می‌شود. علاوه بر دستیابی به شغل مناسب، نداشتن درآمد کافی در روستاها نیز از دلایل ترغیب‌کننده جوانان روستایی به مهاجرت است. امروزه جوانان روستایی به دلایلی چون درآمد پایین مشاغل کشاورزی و روستایی و نیز ارزش‌گذاری‌های متفاوت نسبت به این مشاغل، علاقه‌ای به زندگی در روستا ندارند یا در صورت زندگی، علاقه‌ای به کار کشاورزی ندارند. همچنین کمبود امکانات رفاهی و زیربنایی از دلایل مهمی دیگری است که جوانان ترجیح می‌دهند به منظور دستیابی به آنها، دست به مهاجرت بزنند.

جدول ۳. توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب دلایل ترک و مهاجرت از روستا

دلیل ترک	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	کل
نداشتن شغل مناسب	۵۲/۳	۳۹/۸	۱۸/۵	۳۶/۹
نداشتن درآمد کافی در روستا	۷/۳	۲۱/۷	۱۱/۱	۱۳/۴
دسترسی به امکانات و رفاه زندگی شهری	۴/۸	۱۳/۳	۱۱/۱	۹/۷
انگیزه پیشرفت	۶/۶	۳/۶	۷/۴	۵/۹
کمبود امکانات زیربنایی، رفاهی و بهداشتی	۲۴/۸	۹/۶	۳۳/۳	۲۲/۶
مسائل زیست‌محیطی و کم آبی	۴/۲	۲/۴	۳/۷	۳/۴
کمبود امکانات آموزشی و فرهنگی و ادامه تحصیل	-	۷/۲	۱۱/۱	۶/۱
مسائل اجتماعی و فرهنگی	-	۲/۴	۳/۷	۲/۰
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

بررسی جاذبه‌های زندگی شهری

یکی از عوامل مهمی که به جد در ادبیات مهاجرت مطرح است، جاذبه‌های زندگی شهری یا جاذبه‌های مقصد است؛ بنابراین از افراد مورد بررسی خواسته شد تا به ترتیب اولویت عوامل جاذبه شهری ذکر کنند. نتایج حاصل از بررسی جاذبه‌های زندگی شهری از چشم‌انداز جوانان روستایی در جدول ۴-۵ نشان داده شده است. پاسخگویان این تحقیق در اولویت اول، با ۴۲/۹ درصد، دسترسی آسان به امکانات زندگی، وجود امکانات رفاهی بیشتر را در رتبه اول جاذبه‌های زندگی شهری قرار دادند. همچنین دسترسی آسان به شغل یا فرصت‌های اشتغال بیشتر با ۱۸/۸ درصد در رتبه بعدی و راحتی و آرامش زندگی، زندگی آسان و رسیدن به آرزوها با ۱۳/۲ درصد در رتبه بعدی اهمیت قرار دارند.

در اولویت دوم نیز دسترسی آسان به امکانات زندگی، وجود امکانات رفاهی بیشتر، دسترسی آسان به شغل، فرصت‌های اشتغال زیاد، راحتی و آرامش زندگی، زندگی آسان و رسیدن به آرزوها به ترتیب با ۲۹/۲، ۱۵/۸ و ۱۳/۸ درصد در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند. در اولویت سوم نیز دسترسی آسان به امکانات زندگی، وجود امکانات رفاهی بیشتر با ۳۰/۴ درصد در صدر جاذبه‌ها قرار دارد و بعد از آن نیز راحتی و آرامش زندگی، زندگی آسان و رسیدن به آرزوها با ۱۶/۲ درصد در رده دوم و دسترسی آسان به مراکز درمانی و بهداشتی با ۱۴/۶ درصد در رتبه سوم قرار دارد. واضح است مهمترین جاذبه‌های زندگی شهری در دسترسی به امکانات زندگی و رفاهی بیشتر، دسترسی آسان به فرصت‌های اشتغال و راحتی و آرامش زندگی، زندگی آسان و رسیدن به آرزوها قرار دارند.

جدول ۴. توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب جاذبه‌های شهری

جاذبه‌های شهری	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	کل
دسترسی آسان به شغل، فرصت‌های اشتغال زیاد	۱۸/۸	۱۵/۸	۱۱/۵	۱۵/۴
دسترسی به امکانات آموزشی	۶/۰	۹/۲	۱۰/۵	۸/۶
وجود درآمد مناسب در شهر، دسترسی	۶/۴	۷/۷	۳/۳	۵/۷
وجود امکانات تفریحی و ورزشی	۴/۰	۹/۴	۸/۱	۷/۲
دسترسی آسان به مراکز درمانی و بهداشتی	۵/۹	۱۲/۱	۱۴/۶	۱۰/۸
دسترسی آسان به امکانات زندگی، وجود امکانات رفاهی بیشتر	۴۲/۹	۲۹/۲	۳۰/۴	۳۴/۲
راحتی و آرامش زندگی، رسیدن به آرزوها	۱۳/۲	۱۳/۸	۱۶/۲	۱۴/۴
روابط و مناسبات اجتماعی مطلوب، سالم	۲/۷	۲/۸	۵/۵	۳/۷
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

بررسی دافعه‌های زندگی روستایی

همواره در ادبیات مهاجرت دافعه مبدأ وزن سنگین‌تری برای مهاجرت افراد بخصوص جوانان دارد. مسائل و مشکلات بخصوص مشکلات اقتصادی و اجتماعی محل زندگی باعث می‌شوند فرد برای رهایی از این مشکلات دست به ترک زادگاه خود بزند. یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد مهمترین دافعه‌های روستایی در اولویت اول کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی با ۳۹/۲ درصد، بیکاری و نبود شغل مناسب و امکانات اشتغال با ۲۸/۲ درصد و نداشتن امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی با ۱۳/۵ درصد، در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند.

در اولویت دوم نیز کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی با ۲۸/۸ درصد در رتبه اول، نداشتن امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی با ۲۳/۰ درصد در رتبه دوم و بیکاری و نبود شغل مناسب و امکانات اشتغال با ۱۸/۰ درصد، در رتبه سوم قرار دارد. در اولویت سوم نیز به همین ترتیب، نداشتن امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی، کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی و بیکاری و نبود شغل مناسب و امکانات اشتغال به ترتیب با ۲۹/۰، ۲۸/۷ و ۱۲/۰ درصد قرار دارند. مهمترین دافعه‌های روستایی در کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی، بیکاری و نبود شغل مناسب و نداشتن امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی قرار دارند که دقیقاً در زمره عوامل اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرند. آنچه مشخص است جوانان روستایی نیاز به شغل مناسب دارند، نیاز به ادامه تحصیل و امکانات آموزشی و نیز امکانات زیربنایی و رفاهی دارند که در جامعه روستایی ایران چنانچه باید و شاید مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

جدول ۵. توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب دافعه‌های روستایی

دافعه‌های روستایی	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	کل
بیکاری و نبود شغل مناسب و امکانات اشتغال	۲۸/۲	۱۸/۰	۱۲/۰	۱۹/۴
نیود درآمد و درآمد کافی، شرایط نامناسب اقتصادی	۶/۲	۸/۵	۷/۸	۷/۵
نداشتن امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی	۱۳/۵	۲۳/۰	۲۹/۰	۲۱/۸
نیود مراکز بهداشتی و درمانی و مشکلات بهداشتی	۴/۶	۹/۴	۸/۱	۷/۴
نامناسب بودن وضعیت آب و هوا، محیط و کالبد روستا، کم آبی و خشکسالی	۴/۹	۶/۲	۶/۹	۶/۰
مسائل اجتماعی، فرهنگی	۳/۳	۶/۰	۷/۴	۵/۶
کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی	۳۹/۲	۲۸/۸	۲۸/۷	۳۲/۳
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

بررسی جاذبه‌های زندگی روستایی

یکی از موارد مورد مطالعه، جاذبه‌های زندگی روستایی از نظر جوانان روستایی بوده است. هدف این بود شناسایی جاذبه‌های روستا بود، جاذبه‌هایی که احیاناً می‌تواند جوانان روستایی را

به ماندن در روستا دلگرم کند. مجموعه‌ای از این جاذبه‌ها به وضوح بیانگر جنس متفاوت آنها با جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی است (جدول ۶).

بدین منظور از افراد مورد بررسی خواسته شد تا به ترتیب اولویت عوامل جاذبه‌های زندگی روستایی را ذکر کنند. در اولویت اول مهمترین جاذبه زندگی روستایی آب و هوا و طبیعت روستاست که با ۳۶/۷ درصد در رتبه اول قرار دارد. بعد از آن دسترسی به امکانات و خدمات زیربنایی و رفاهی با ۲۲/۲ درصد در رتبه دوم و روابط و مناسبات اجتماعی خوب با ۱۱/۳ درصد در رتبه سوم قرار دارد. همچنین غنای فرهنگی و تاریخ روستا با ۱۰/۲ درصد در رتبه چهارم قرار دارد. در اولویت دوم و سوم نیز روابط و مناسبات اجتماعی خوب در رتبه اول قرار دارد و بعد از آن نیز وجود امکانات و خدمات زیربنایی و رفاهی و غنای فرهنگی و تاریخ روستا قرار دارند.

در میان جاذبه‌های زندگی روستایی عواملی چون آب و هوا و طبیعت روستا، روابط و مناسبات اجتماعی خوب، غنای فرهنگی و تاریخ روستا، آرامش و آسایش زندگی، دسترسی به امکانات و خدمات زیربنایی و رفاهی قرار دارند که به نوعی متفاوت از دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های زندگی شهری‌اند.

این جاذبه‌ها که بیشتر اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی‌اند، اگر بتوانند با جاذبه‌های اقتصادی در هم آمیزند می‌توانند جوانان روستایی را به ماندن در روستا ترغیب کنند.

جدول ۶. توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب جاذبه‌های زندگی روستایی

کل	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	جاذبه‌های زندگی روستایی
۱۲/۲	-		۳۶/۷	آب و هوا و طبیعت روستا
۲۶/۴	۳۱/۱	۲۶/۱	۲۲/۲	دسترسی به امکانات و خدمات زیربنایی و رفاهی
۲۸/۴	۳۷/۹	۳۵/۹	۱۱/۳	روابط و مناسبات اجتماعی خوب
۸/۱	۵/۳	۹/۸	۹/۲	سهولت اشتغال (امکان فعالیت‌های کشاورزی/منابع کشاورزی)
۲/۵	۲/۱	۲/۲	۳/۲	وضعیت کالبدی و محیط انسانی روستا
۱۵/۰	۱۶/۳	۱۸/۵	۱۰/۲	غنای فرهنگی و تاریخ روستا
۷/۴	۷/۴	۷/۶	۷/۲	آرامش و آسایش زندگی
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

تمایل به مهاجرت: نتایج تحلیل چندمتغیره

به منظور بررسی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر میزان تمایل به مهاجرت، متغیرهای مستقل وضعیت اشتغال، تحصیلات، وضعیت تأهل، شهرستان محل زندگی، جاذبه‌های زندگی شهری،

دافعه‌های زندگی روستایی، محیط و طبیعت روستا، پاسخگویی به نیازها، رضایت از امکانات و تسهیلات روستا، شغل مناسب، احساس آزادی و مراودت همسایگی و خویشاوندی و متغیر وابسته تمایل به مهاجرت از روستا در معادله رگرسیون خطی (روش توأم) وارد شده‌اند. جدول ۷، مدل‌ها، ضرایب رگرسیونی و سایر اطلاعات برآمده از محاسبه رگرسیون چندمتغیری را نشان می‌دهد.

با توجه به ضریب F ، از مجموع متغیرهای مستقل وارد شده در معادله، فقط نه متغیر بیکاری (دافعه روستایی)، نبود درآمد (دافعه روستایی)، نبود امکانات آموزشی (دافعه روستایی)، کمبود امکانات رفاهی (دافعه روستایی)، آرامش و آسایش زندگی (جاذبه شهر)، پاسخگویی به نیازها، رضایت از امکانات و تسهیلات روستا، وضعیت اشتغال (شاغل نبودن) و تحصیلات دانشگاهی رابطه معناداری با متغیر وابسته (تمایل به مهاجرت از روستا) نشان دادند. متغیرهای نبود درآمد (دافعه روستایی)، آرامش و آسایش زندگی (جاذبه شهر)، پاسخگویی به نیازها، در سطح معناداری $0/01$ و متغیرهای بیکاری (دافعه روستایی)، نبود امکانات آموزشی (دافعه روستایی)، کمبود امکانات رفاهی (دافعه روستایی)، رضایت از امکانات و تسهیلات روستا، وضعیت اشتغال (شاغل نبودن) و تحصیلات دانشگاهی، در سطح $0/05$ معنادار شدند. ضریب همبستگی چندگانه ($0/425$) از همبستگی قوی بین متغیرهای موجود در معادله نهایی رگرسیون حکایت دارد.

ضریب تعیین تصحیح شده نشان می‌دهد که حدود ۱۶ درصد از تغییرات میزان احتمال ترک روستا توسط نه متغیر ذکر شده در مدل تبیین می‌شود. با توجه به بتاهای به دست آمده، متغیر پاسخگویی به نیازها قوی‌ترین رابطه (منفی) را با تمایل به مهاجرت از روستا دارد؛ بنابراین مشخص می‌شود کسانی که نگرش مثبتی به پاسخگویی به نیازهای خود در روستای محل زندگی خود دارند، احتمال مهاجرتشان پایین‌تر است. بعد از آن متغیر کمبود امکانات رفاهی با احتمال ترک روستا بیشترین رابطه را داشته است، یعنی کمبود امکانات رفاهی به افزایش تمایل به مهاجرت جوانان می‌انجامد. بعد از آن نیز متغیرهای نبود درآمد، بیکاری و نبود امکانات آموزشی قرار دارند که هر سه در زمره دافعه‌های روستایی قرار می‌گیرند، کسانی که دافعه‌های روستایی را در این موارد می‌بینند، میزان احتمال ترک روستایشان بیشتر است.

بعد از این پنج متغیر، متغیر آرامش و آسایش زندگی (جاذبه شهر) قرار دارد که با تمایل به مهاجرت رابطه مثبت دارد. بعد از این متغیر، رضایت از امکانات و تسهیلات روستا قرار دارد که با تمایل به مهاجرت از روستا رابطه منفی دارد.

در آخر متغیرهای تحصیلات دانشگاهی و وضعیت اشتغال (شاغل نبودن) با احتمال ترک روستا بیشترین رابطه را دارند؛ بنابراین جوانانی که تحصیلات دانشگاهی دارند و شاغل نیستند، احتمال بیشتری دارد روستایشان را ترک کنند.

جدول ۷. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری مربوط به تأثیر متغیرهای مستقل فردی بر تمایل به مهاجرت از روستا

متغیرها	B	S.E	B
مقدار ثابت		۱/۰۷۷	۱۷/۰۴۹
دافعه روستایی/ بیکاری	۰/۱۲۸°	۰/۵۸۰	۱/۱۶۸
دافعه روستایی/ نبود درآمد	۰/۱۵۱°°	۰/۷۸۰	۲/۵۱۹
دافعه روستایی/ نبود امکانات آموزشی	۰/۱۱۳°	۰/۶۵۸	۱/۳۹۵
دافعه روستایی/ کمبود رفاهیات	۰/۱۶۲°	۰/۵۶۰	۱/۳۷۵
جاذبه شهر/ آرامش و آسایش زندگی	۰/۰۹۸°°	۰/۴۸۱	۱/۲۵۶
پاسخگویی به نیازها	-۰/۲۵۱°°	۰/۰۵۹	-۰/۳۶۴
رضایت از امکانات و تسهیلات روستا	-۰/۰۸۹°	۰/۰۴۲	-۰/۰۹۳
وضعیت شغلی (نداشتن شغل)	۰/۰۷۷°	۰/۳۱۸	۰/۶۷۲
تحصیلات دانشگاهی	۰/۰۸۸°	۰/۴۴۵	۰/۹۶۷
ضریب همبستگی (R)		۰/۴۲۵	
ضریب تعیین (R ²)		۰/۱۸۱	
ضریب تعیین تصحیح شده		۰/۱۵۵	
ضریب F		۶/۸۴۸	

با توجه به مقادیر B معادله رگرسیون را به شرح زیر می‌توان نوشت:

$$+ (تحصیلات دانشگاهی) ۰/۹۶۷ + (نداشتن شغل) ۰/۶۷۲ + (رضایت) ۰/۰۹۳ - (پاسخگویی به نیازها) ۰/۳۶۴ - (آرامش و آسایش زندگی) ۱/۲۵۶ + (کمبود امکانات e. رفاهی) ۱/۳۷۵ + (نبود امکانات آموزشی) ۱/۳۹۵ + (نبود درآمد) ۲/۵۱۹ + (بیکاری) ۱/۱۶۸ + ۱۷/۰۴۹ = \text{احتمال ترک روستا}$$

متغیرهای نبود درآمد (دافعه روستایی)، نبود امکانات آموزشی (دافعه روستایی)، کمبود امکانات رفاهی (دافعه روستایی)، آرامش و آسایش زندگی (جاذبه شهر) و بیکاری (دافعه روستایی)، در سطح اسمی دوجویی اندازه‌گیری شده‌اند، بنابراین مقدار B بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. این مقادیر استاندارد نبوده (چون هر کدام از ضرایب B واحد خاص خود را دارند، به همین دلیل ضرایب B در معادله رگرسیون قابل مقایسه با همدیگر نیستند)؛ برای

نشان دادن مهمترین متغیر تبیین‌کننده متغیر وابسته می‌بایست از ضرایب رگرسیون استاندارد شده (بتاها) استفاده کرد. بر اساس بتای به دست آمده برای پاسخگویی به نیازها، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار پاسخگویی به نیازها، به اندازه ۰/۲۵۱- در انحراف معیار میزان تمایل به ترک روستا تغییر ایجاد می‌شود. در حالی که به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار نبود درآمد تنها ۰/۱۵۱ در انحراف معیار احتمال ترک روستا تغییر ایجاد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد جوانان روستاهای مورد مطالعه، دلایل مختلفی برای ترک روستاهای خود و مهاجرت به شهرها داشتند، این دلایل دربرگیرنده مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی بوده است. به طوری که جستجوی شغل مناسب، کمبود امکانات زیربنایی، رفاهی و بهداشتی و نداشتن درآمد کافی در روستا از مهمترین دلایل ترک جوانان روستاهای مورد مطالعه است. اینها دقیقاً مواردی‌اند که در مطالعات ایمران و همکاران (۲۰۱۳)، جوشا رمی و همکاران (۲۰۱۱) و ملسه و ناچیموتو (۲۰۱۷)، امینی و برومند (۱۳۹۴) و رستمعلی زاده و همکاران، (۱۳۹۲) به آنها اشاره شده است. ایمران و همکاران (۲۰۱۳) نشان می‌دهند شرایط ناکافی و نامناسب آموزشی، بهداشتی، امکانات تفریحی، زیرساخت‌های ضعیف و رکود اقتصادی و فرصت‌های محدود اقتصادی در مناطق روستایی عوامل اولیه و اصلی در ایجاد انگیزه به افراد و خانواده‌ها برای مهاجرت به مناطق شهری به شمار می‌روند. جوشا رمی و همکاران (۲۰۱۱) نیز بیکاری، تحصیلات، دلایل خانوادگی، ویژگی‌ها و امکانات نامناسب اجتماعی در مناطق روستایی، دوری و اجتناب از خستگی در کار کشاورزی و دلایل بهداشتی را از عوامل اثرگذار عمده در مهاجرت روستا شهری در نیجریه دانسته‌اند. ملسه و ناچیموتو (۲۰۱۷) نشان می‌دهند تخریب و تنزل محیطی، بهره‌وری پایین کشاورزی، خدمات اجتماعی ناکافی، فشار جمعیتی و کمبود زمین در مناطق روستایی عوامل اصلی مهاجرت‌اند.

در بررسی جاذبه‌ها و دافعه‌ها، جوانان روستایی شهرستان‌های مورد مطالعه به مواردی اشاره کردند که همه برای جستجوی توسعه و زندگی مطلوب بود. آنها مهمترین جاذبه‌های زندگی شهری را در دسترسی به امکانات زندگی و رفاهی بیشتر، دسترسی آسان به فرصت‌های اشتغال و راحتی و آرامش زندگی و رسیدن به آرزوها و دسترسی به امکانات آموزشی

می‌دیدند. البته در کنار اینها جاذبه‌های دیگری نیز چون دسترسی به امکانات تفریحی و ورزشی نیز یاد شده است. این یافته‌ها منطبق بر یافته‌های نظام‌الدین و فیروج (۲۰۱۳) است که در یافته‌های خود عنوان می‌کنند دسترسی آسان به بخش‌های غیر رسمی و مناطق حاشیه‌ای، احتمال درآمد بالاتر، امکانات و تسهیلات خدماتی بهتر از عوامل اصلی جاذبه‌های مهاجرت است. ملسه و ناچیموتو (۲۰۱۷) نیز عنوان می‌کنند عوامل مهم "جاذبه" که مردم روستایی را به مناطق شهری جذب می‌کنند آموزش، خدمات بهداشتی، امنیت، شغل بهتر، فرصت‌های پیشرفت و سایر امکانات شهری‌اند که افراد را از مناطق روستایی به سوی خود جذب می‌کنند. نتایج این تحقیق در خصوص دافعه‌های روستایی نشان داد که کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی، بیکاری و نبود شغل مناسب و نداشتن امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی به همراه نبود درآمد و درآمد کافی و شرایط نامناسب اقتصادی از مهمترین دافعه‌های روستایی به حساب می‌آیند. این یافته‌ها همسان با یافته‌های کارهای مختلفی است که در کشورهای مختلف در حال توسعه دنیا در آسیا و آفریقا انجام گرفته است که جمعیت روستایی در خور توجهی دارند. نظام‌الدین و فیروج (۲۰۱۳) نشان می‌دهند که فقر، جستجوی شغلی، بی‌زمینی (خوش‌نیشینی)، بی‌خانمانی و فجایع و بحران‌های طبیعی متعدد از دافعه‌های عمده مهاجرت از روستاهاست. ملسه و ناچیموتو (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که تخریب و تنزل محیطی، بهره‌وری پایین کشاورزی، خدمات اجتماعی ناکافی، فشار جمعیتی و کمبود زمین در مناطق روستایی عوامل اصلی مهاجرت‌اند.

بررسی جاذبه‌ها و دافعه‌ها نکته جالبی را نشان می‌دهد و آن اینکه این جاذبه‌ها و دافعه‌ها در امتداد هم قرار دارند؛ یعنی اگر در مناطق روستایی بیکاری وجود دارد، شغل مناسب نیست و درآمد کافی وجود ندارد، افراد به دنبال جستجوی شغل، شغل بهتر و درآمد بیشتر به سمت شهرها حرکت می‌کنند. اگر در مناطق روستایی امکانات زیربنایی و رفاهی و خدماتی مناسبی وجود ندارد، افراد برای دسترسی به امکانات زندگی و رفاهی بیشتر، برای دسترسی به راحتی و آرامش زندگی و رسیدن به آرزوها و دسترسی به امکانات آموزشی به سمت شهرها می‌روند؛ بنابراین نتیجه این است که نقطه شروع این خطوط در روستاهاست؛ یعنی به بیان دیگر، اهمیت ابتدایی و اساسی با دافعه‌های مبدأ است که جوانان روستایی را به سمت بیرون یا شهرها رهنمون می‌کنند؛ و دقیقاً در اینجا می‌توان نمود چشم‌انداز نظری جاذبه و دافعه را مشاهده کرد،

چرا که در کل مدل‌های جاذبه و دافعه مهاجرت نشان می‌دهند افراد از مناطق در حال رکود اقتصادی و شرایط نامناسب گذران زندگی و معیشت دفع شده و جذب مناطق مرفه می‌شوند. یکی از نقدهایی که همواره به تحقیقات مهاجرت با چشم‌انداز نظری جاذبه و دافعه مطرح می‌شود، این است که در این مدل‌ها بیشتر بر دافعه مبدأ و جاذبه مقصد تأکید می‌شود، بخصوص اگر این تحقیقات در زمینه جوانانی باشد که در حال تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی‌اند. به نوعی در استفاده از این مدل برای تحقیقات ماندگاری و تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی، تنها تکیه بر جاذبه مقصد و دافعه مبدأ کافی نیست و باید جاذبه مبدأ را نیز اضافه کرد. این جاذبه مبدأ، بیشتر بخش جامعه‌شناسانه و روانشناسانه مدل‌های نظری است؛ بنابراین در کنار جاذبه شهری و دافعه روستایی، موضوع دیگری که در این تحقیق بررسی شد، جاذبه‌های زندگی روستایی بوده است، اینکه زندگی روستایی چه جاذبه‌هایی برای فرد ایجاد می‌کند که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی فرد مورد عنایت قرار گرفته و فرد را راغب به ماندن در روستا کند. در این اینجا یافته‌های جالبی به دست آمد و مشخص شد جاذبه‌های روستایی در طیف گسترده‌ای از عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی قرار دارند. جاذبه‌های زندگی روستایی به ترتیب عبارت بودند از: روابط و مناسب اجتماعی خوب، دسترسی به امکانات و خدمات زیربنایی و رفاهی، غنای فرهنگی و تاریخ روستا، آب و هوا و طبیعت روستا، سهولت اشتغال بخصوص در بخش کشاورزی، آرامش و آسایش زندگی و وضعیت کالبدی و محیط انسانی روستا. جنس جاذبه‌های روستایی تا حدی متفاوت از دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری بودند و در آنها نقش عوامل زیست‌محیطی و اجتماعی و فرهنگی پررنگ بودند. دقیقاً اینجا جایی است که می‌توان با تکیه بر این عوامل و غنی کردن آن با عوامل اقتصادی، در ماندگاری جوانان روستایی مؤثر واقع شد؛ بنابراین این جاذبه‌های روستایی می‌توانند به ماندگاری جوانان در محیط‌های روستایی متصل شوند.

نتایج تحلیلی این تحقیق نشان می‌دهد بیکاری (دافعه روستایی)، نبود درآمد (دافعه روستایی)، نبود امکانات آموزشی (دافعه روستایی)، کمبود امکانات رفاهی (دافعه روستایی)، آرامش و آسایش زندگی در شهر (جاذبه شهر)، پاسخگویی به نیازها، رضایت از امکانات و تسهیلات روستا، وضعیت اشتغال (شاغل نبودن) و تحصیلات دانشگاهی با متغیر تمایل به مهاجرت از روستا رابطه معناداری دارد. به طوری که بیکاری (دافعه روستایی)، نبود درآمد (دافعه روستایی)، نبود امکانات آموزشی (دافعه روستایی)، کمبود امکانات رفاهی (دافعه

روستایی)، آرامش و آسایش زندگی (جاذبه شهر)، وضعیت اشتغال (شاغل نبودن) و تحصیلات دانشگاهی تمایل به مهاجرت را افزایش و متغیرهای پاسخگویی به نیازها و رضایت از امکانات و تسهیلات روستا نیز، تمایل به مهاجرت را کاهش می‌دهند. همان‌گونه که در بخش‌های قبلی گفته شد این موارد به جد در اکثر یافته‌های تحقیقات در کشورهای مختلف به خصوص کشورهای آسیایی و آفریقایی که جمعیت روستایی در خوری دارند، نشان داده شده است. به وضوح مشخص است دافعه‌های روستایی نقش پررنگی در تمایل به مهاجرت جوانان روستایی دارند. در کنار این، تحصیلات و جستجوی شغل نیز بر اهمیت دافعه‌های روستایی در مهاجرت می‌افزایند؛ بنابراین اگر قرار است برنامه‌ریزی در روستاها صورت گیرد باید به منظور افزایش جاذبه‌های روستایی صورت گیرد.

بنابراین به منظور ماندگاری جوانان روستایی و "تثبیت مهاجرت‌های روستایی باید به کاهش نابرابری‌ها بین مناطق شهری و روستایی توجه کرد" (نظام‌الدین و فیروج، ۲۰۱۳). همچنین تصویب استراتژی‌های توسعه متعادل و متوازن، افزایش یکنواختی و پایداری در سطح درآمد، ایجاد همه‌انواع امکانات شهری در مناطق روستایی و تضمین کیفیت زندگی بهتر و غیره، برای کاهش مهاجرت به شهرهای و همچنین برای توسعه پایدار ضروری است (اسلام و همکاران، ۲۰۱۳). دولت‌ها باید توجهات را به سمت فرصت‌های اقتصادی بهتر، امکانات و زیرساخت‌های دفع فاضلاب بهتر، تسهیلات بهداشتی بهتر، تسهیلات آموزشی بهتر، زیرساخت‌های حمل و نقل بهتر، ارتقای صنایع خانگی روستایی و استقرار صنایع کوچک در نزدیکی روستاها معطوف کنند (ایمران و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین امکانات آموزشی و معلمان واجد شرایط باید در مناطق روستایی در دسترس قرار گیرند. کشاورزی مرتبط با صنعت باید در مناطق روستایی وارد شود تا فرصت‌های شغلی برای ساکنان ایجاد شود (جوشا رمی و همکاران، ۲۰۱۱).

در نهایت با توجه به اینکه در منطقه مورد مطالعه، مهمترین دلایل جوانان برای مهاجرت، دسترسی به شغل و درآمد مناسب و همچنین دسترسی به امکانات زیربنایی و رفاهی بوده، لازم است در زمینه ایجاد اشتغال در روستا بخصوص از طریق توسعه و توجه بیش از پیش به بخش کشاورزی در منطقه، گسترش صنایع کوچک، کاربر و صنایع جنبی فعالیت‌های کشاورزی در استان و همچنین تأمین سرمایه و جهت‌دهی سرمایه‌های کوچک در بخش تولید و توسعه روستایی اقدام شود. در زمینه تأمین نیازهای اساسی و خدمات رفاهی و زیربنایی نیز،

باید توجه ویژه‌ای به مناطق روستایی شود و به نوعی فاصله توسعه میان مناطق شهری و روستایی کاهش یابد و امکانات مختلف نیز به مناطق روستایی وارد شود. با در نظر گرفتن این شرایط می‌توان به تعدیل مهاجرت‌های روستا-شهری در منطقه مورد مطالعه امیدوار بود.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۰). مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن؛ نمونه: استان سیستان و بلوچستان. *مجله تحقیقات جغرافیایی*، دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۶۰).
- اذانی، مه‌ری و بوستانی، سعید (۱۳۹۲). تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی - شهری نمونه موردی (شهرستان ممسنی). *مجله فضای جغرافیایی*، دوره ۱۳، شماره ۴۱.
- ارشاد، فرهنگ (۱۳۹۱). بازاندیشی درباره الگوی مهاجرت روستا - شهری در ایران بر اساس پارادایم پیوند کارگزاری/ساختار. *فصلنامه مطالعات شهری*، سال دوم، شماره چهارم، صص ۲۸-۱.
- امینی، عباس و برومند، تهمینه (۱۳۹۴). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جمعیت‌گزینی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: پادناهی سفلی، سمیرم). *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۶، شماره ۱.
- بنی اسدی، مصطفی، زارع مهرجردی، محمدرضا، ورمزیاری، حجت (۱۳۹۲). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت روستاییان در ایران. *مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۵، شماره ۱.
- حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵). سیری در نظریه‌های مهاجرت. *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۱، صص ۳۵-۴۶.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله؛ قاسمی، علی و رستمی، نیر (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی؛ مطالعه موردی: شهرستان اهر. *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۴، شماره ۳، پاییز.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت. تهران: سمت.
- سجادی، ژیلا، حامدی، رستم (۱۳۸۱). بررسی روابط مکانی- فضایی هادیشهر (شهرستان جلغا) با مراکز جمعیتی پیرامون در راستای سامان‌دهی. *مجله علوم زمین*، شماره‌های ۸ و ۹.
- شایان، حمید، کهنه پوشی، سیدهادی (۱۳۹۲). بررسی علل مهاجرت‌های روستا- شهری در بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی. سال ۲، شماره ۱.
- قاسمی اردهائی، علی (۱۳۸۵). بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فرا تحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۸۳-۱۳۵۹). *روستا و توسعه*. دوره ۹، شماره ۱.
- قاسمی اردهائی، علی (۱۳۹۲). شبکه‌های اجتماعی و جابجایی جمعیت: مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران. پایان‌نامه دکتری رشته جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*. شیراز، انتشارات نوید شیراز.

- Cadwallader, M. (1992). *Migration and residential mobility*. Madison: University of Wisconsin Press.
- Crow, Helena (2010). Factors Influencing Rural Migration Decisions in Scotland: An Analysis of the Evidence, Rural Analytical Unit, Rural and Environment Research and Analysis Directorate Scottish Government. *Scottish Government Social Research*.
- De Haas, Hein (2008). *Migration and development A theoretical perspective*, *International Migration Institute*. James Martin 21st Century School, University of Oxford.
- De Haas, Hein (2008). *Migration and development A theoretical perspective*, *International Migration Institute*, James Martin 21st Century School, University of Oxford.
- Elder, G. H. King, V. & Conger, R. D. (1996). Attachment to place and migration prospects: A developmental perspective. *Journal of Research on Adolescence*, 6(4), 397-425.
- Eversole, R. (2002). Keeping youth in communities: Education and out-migration in the southwest. *Rural Society*, 1(2), 85-98.
- Hendry, Leo B. & Kloep, Marion (2004), "To stay or not to stay?" -That is the question, Rural youths' views on living in Scandinavia, Barn nr. 4 2004:33-52, ISSN 0800-1669, 2004 Norsk senter for barneforskning.
- Imran, Faisal; Nawaz, Yasir; Asim, Muhammad and Hashmi, Arshad H. (2013). Socio-Economic Determinants of Rural Migrants in Urban Setting: A Study Conducted at City Sargodha, Pakistan. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, Vol 2 No 1: 71-76.
- Islam, Rafiqul; Nurullah; Rahman, Obaidur; and Hossain, Sabbir. (2013). Factors Affecting on Migration to Chapai-Nawabganj City in Bangladesh: Multivariate Approach. *American Journal of Economics* 2013, 3(6): 273-277.
- Jousha Remi, Aworemi; Ibraheem Adegoke, Abdul-Azeez and Nurain. A, Opoola, (2011). An Appraisal of the Factors Influencing Rural-Urban Migration in Some Selected Local Government Areas of Lagos State Nigeria. *Journal of Sustainable Development*, Vol. 4, No. 3: 136-141.
- Lee, E. S. (1966). A theory of migration. *Demography*, 3, 47-57.
- Lockie, S. & Bourke, L. (2001). *Rurality bites: The social and environmental transformation of rural Australia*. Annandale, NSW, Australia: Pluto Press.
- Melesse, Birhanu and Nachimuthu, Kavitha, (2017). A review on Causes and Consequences of Rural- Urban Migration in Ethiopia. *International Journal of Scientific and Research Publications*, Volume 7, Issue 4: 37- 42.
- Nezum Uddin, Md. (2013). Causes and Consequences of Rural- Urban Migration in Bangladesh: An Empirical Study in Chittagong City. *International Journal of Ethics in Social Sciences*, Vol. 1, No. 1, Pp: 89-104.
- Pretty, Grace and Bramston, Paul and Patrick, Jeff and Pannach, Wendy (2006). The relevance of community sentiments to Australian rural youths' intention to stay in their home communities. *American Behavioral Scientist*, 50 (2). pp. 226-240.
- Reniers G. (1999). On the History and Selectivity of Turkish and Moroccan Migration to Belgium. *International Migration* 37:679-713.